

بررسی سندی و دلالتی روایت علوی «لَقَدْ جِئْتُهُمْ بِالْكِتَابِ كَمَلًا مُشْتَمِلًا عَلَى التَّنْزِيلِ وَ التَّوِيلِ»

مهدی حیاتی* / محمد حسن رستمی** / عباس اسماعیلی زاده***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵

چکیده

مصحف امیرمؤمنان علیه السلام از مسلمات تاریخی و روایی است. یکی از روایات پُرسامد در خصوص محتوای مصحف حضرت، حدیث «وَلَقَدْ جِئْتُهُمْ بِالْكِتَابِ كَمَلًا مُشْتَمِلًا عَلَى التَّنْزِيلِ وَ التَّوِيلِ» است که در کتاب آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن ذکر شده است. منبع اصلی روایت، کتاب احتجاج طبرسی است که بدون ذکر سند، روایت را نقل کرده است. اما به کمک روایات مشابه و هم‌مضمون، می‌توان به معنای «تنزیل» و «تأویل» در این روایت دست یافت. این پژوهش به روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است. هدف از آن اعتبارسنجی سندی و دلالتی روایت مذکور، با کمک آیات و احادیث است. دستاوردهای چنین است، مصحف امیرمؤمنان علیه السلام مجموعه کاملی از وحی الهی، شامل تنزیل و تأویل بود. «تنزیل» آیات موجود در مصحف عثمانی است و «تأویل» نیز توضیحات اضافی پیرامون آیات قرآن است که اصطلاحاً «وحی بیانی» نامیده می‌شود و در حاشیه مصحف حضرت نوشته شده بود. براساس روایات تأویل نیز مانند تنزیل بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله وحی شده و طبق روایت مذکور در مصحف حضرت علی علیه السلام گردآوری شده است.

کلیدواژه‌ها:

تنزیل، تأویل، مصحف امام علی علیه السلام، وحی بیانی.

* mehdi.hayati@scu.ac.ir

** rostami@um.ac.ir

*** esmaeelzadeh@um.ac.ir

*. استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

** . دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

*** . دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۱. مقدمه

مصحف امیرمؤمنان علیه السلام از مسلمات تاریخی و روایی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۶۵) علامه بلاغی روایتی را در کتاب آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن در رابطه با مصحف امیرمؤمنان علی علیه السلام بدون ذکر سندش آورده است؛ حدیث عبارت است از «قول امیرالمؤمنین علیه السلام للزندیق كما فی نهج البلاغه و غیره و لقد جئتهم بالكتاب کمالاً مُشتملاً علی التنزیل و التأویل». (بلاغی، ۱۳۵۲: ۲۷/۱) ایشان از قول امام علی علیه السلام از کتاب نهج البلاغه و غیر از آن آورده است که حضرت فرمود: «کتابی کامل، که دربرگیرنده تنزیل و تأویل می‌شود، آوردم.» ایشان در این عبارت اشاره به کتابی مدوّن می‌کند، ضرورت طرح این بحث از آنجاست که این روایت مورد استناد اندیشمندان شیعه در خصوص محتوای مصحف آن حضرت قرار گرفته است. هر چند مصحف امیرمؤمنان علیه السلام در دسترس عموم مسلمانان قرار نگرفت، اما طبق روایات رسیده، نزده ائمه اطهار علیهم السلام بوده و مورد مراجعه ایشان در پاسخ به پرسش‌های مردم قرار می‌گرفته است. (کلینی، ۱۳۶۲: ۲۲۸/۱)

۱-۱. بیان مسأله

در خصوص این روایت آنچه باید مورد بررسی قرار بگیرد اینکه، وضعیت این حدیث از لحاظ سندی و منابع و مصادر چگونه است؟ احادیث مشابه آن کدام است؟ محتوای این روایت چه اطلاعاتی را راجع به مصحف حضرت می‌دهد؟ و منظور از تنزیل و تأویل در این روایت چیست؟ آیا همه محتوای مصحف حضرت از جنس وحیانی بود؟ یا اینکه حضرت از جانب خودش تفسیری به این مصحف افزوده است؟ آیا مصحف امیرمؤمنان علیه السلام چیزی بیشتر یا کمتر از قرآن کنونی داشت؟ تاکنون کتاب‌ها و مقالات متعددی به صورت مستقیم و غیر مستقیم درباره مصحف امام علی علیه السلام نوشته شده است، که خود از جایگاه و اهمیت مسأله مصحف امام علی علیه السلام نزد شیعیان حکایت دارد؛ هر یک از این آثار جنبه‌ای از موضوع را بررسی کرده‌اند. برخی از مقالاتی که در این زمینه نوشته شده است:

• رضایی، اسدالله، (۱۳۹۰)، «مصحف امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، حقیقت یا توهم؟»،

نشریه سراج منیر، شماره ۴.

- امینی، عبدالله، (۱۳۸۷)، «مصحف امام علی علیه السلام»، فرهنگ کوثر، شماره ۳۳.
 - پیرانی، فاطمه، (۱۳۹۸)، «ارزیابی دیدگاه‌ها در تاثیر مصحف امام علی علیه السلام بر شبهه تحریف قرآن با تاکید بر دیدگاه آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (ره)»، اولین همایش ملی دیدگاه‌های علوم قرآنی حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (ره).
 - عباسی مقدم، مصطفی؛ موسوی، سید محمد، (۱۳۹۹)، «بررسی تحلیلی - انتقادی روایات ناظر به ترتیب مصحف امیرمؤمنان علی علیه السلام»، مطالعات فهم حدیث، سال هفتم، شماره ۱۳.
 - محمدزاده، الهام؛ مرتضوی، سیدمحمد؛ شاهرودی، سید مرتضی، (۱۳۹۵) «مصحف حضرت علی علیه السلام در منابع علم ائمه علیهم السلام»، پژوهش نامه علوی، سال هفتم، شماره ۱.
 - تجری، محمد علی؛ مقیمی نژاد داورانی، محدثه، (۱۳۹۴)، «واکاوی روایات شیعی در ترتیب نزولی بودن مصحف امام علی علیه السلام»، آموزه‌های قرآنی، شماره ۲۲.
 - نکونام، جعفر، (۱۳۸۶)، «ترتیب مصحف امام علی علیه السلام موافق نزول یا موافق موجود؟»، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۲.
 - امامعلی پور، علی؛ بیگدلی، آدین، (۱۳۸۵)، «مصحف امیرالمؤمنین علیه السلام یا نخستین کتاب در حوزه علوم قرآنی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تهران)، دوره ۵۷، شماره ۱۷۸.
- نویسنده معتقد است، دستیابی و بازشناسی محتوای مصحف حضرت، مستلزم بررسی سندی و متنی همه میراث مکتوب حدیثی اهل بیت علیهم السلام در این خصوص می‌باشد. آنچه در این پژوهش به طور خاص به آن پرداخته شده اعتبارسنجی و دلالت سنجی این حدیث است؛ که در آثار پژوهشگران معاصر پُرسامد بوده و مورد توجه خاص قرار نگرفته است.

۲. بررسی حدیث

روایت «قول امیرالمؤمنین علیه السلام للرنندیق کما فی نهج البلاغه و غیره و لَقَدْ جِئْتَهُمْ بِالْكِتَابِ كَمَا لَمْ يَشْتُمِلُوا عَلَى التَّنْزِيلِ وَالْتَّوِيلِ.» علی‌رغم ادعای علامه بلاغی، در نهج البلاغه (شریف الرضی، ۱۳۷۹: سراسر کتاب) و همچنین کتاب تمام نهج البلاغه (موسوی، ۱۴۲۶ق: سراسر کتاب) یافت نشد. اما در منابع دیگر به محتوای آن اشاره شده است. منبع اصلی روایت، کتاب احتجاج



طبرسی (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲۵۷/۱) می‌باشد که در آنجا نیز بدون ذکر سند آمده است. علامه مجلسی نیز روایت را از همین کتاب نقل کرده است. روایات مشابه با آن به لحاظ محتوایی در منابع معتبر حدیثی یافت می‌شوند که مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۲-۱. بررسی مصادر و منابع حدیث

اصل روایتی که علامه بلاغی نقل کرده، در بحار الانوار و احتجاج این چنین آمده است:

«وَلَقَدْ أَحْضَرُوا الْكِتَابَ كَمَا مُشْتَمِلًا عَلَى التَّوْوِيلِ وَالتَّنْزِيلِ وَ الْمُحْكَمِ وَ الْمُتَشَابِهِ وَ النَّاسِخِ وَ الْمُنْسُوخِ لَمْ يَسْقُطْ مِنْهُ حَرْفٌ أَلْفٍ وَ لَا لَامٍ فَلَمَّا وَقَفُوا عَلَى مَا بَيَّنَّهُ اللَّهُ مِنْ أَسْمَاءِ أَهْلِ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ وَ أَنَّ ذَلِكَ إِنْ ظَهَرَ تَقْضَى مَا عَقَدُوهُ قَالُوا لَا حَاجَةَ لَنَا فِيهِ وَ نَحْنُ مُسْتَعْنُونَ عَنْهُ بِمَا عِنْدَنَا وَ لِيَذَلِكَ قَالُوا: فَتَبَدُّوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَ اشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبَيَّسَ مَا يَشْتَرُونَ ثُمَّ دَفَعَهُمُ الْإِضْطِرَارُ بِوُرُودِ الْمَسَائِلِ عَلَيْهِمْ عَمَّا لَا يَعْلَمُونَ تَأْوِيلَهُ إِلَى جَمْعِهِ وَ تَأْلِيْفِهِ وَ تَضْمِينِهِ مِنْ تَلْقَائِهِمْ مَا يَقِيمُونَ بِهِ دَعَائِمَ كُفْرِهِمْ فَصَرَخَ مُنَادِيهِمْ مَنْ كَانَ عِنْدَهُ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ فَلْيَأْتِنَا بِهِ وَ وَكَلُوا تَأْلِيْفَهُ وَ نَظْمَهُ إِلَى بَعْضِ مَنْ وَافَقَهُمْ عَلَى مُعَادَاةِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ فَالْفَهْ عَلَى اخْتِيَارِهِمْ وَ مَا يَدُلُّ لِلْمُتَأَمِّلِ لَهُ عَلَى اخْتِلَالِ تَمْيِيزِهِمْ وَ تَفْرِيبِهِمْ وَ تَرْكُوكِ مِنْهُ مَا قَدَّرُوا أَنَّهُ لَهُمْ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ وَ زَادُوا تَنَاقُزَهُ وَ تَنَافُرَهُ وَ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّ ذَلِكَ يَظْهَرُ وَ يَبِينُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲۶/۹۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص: ۲۵۷) روایت در منابع بعدی نیز آمده است. (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱/۴۷؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۵/۸۴۲) قسمتی که در روایت مدنظر است عبارت «وَلَقَدْ أَحْضَرُوا الْكِتَابَ كَمَا مُشْتَمِلًا عَلَى التَّوْوِيلِ وَ التَّنْزِيلِ» می‌باشد.

شکی نیست که کتاب احتجاج را ابومنصور طبرسی نوشته است، زیرا ابن شهر آشوب شاگرد مؤلف در نخستین کتاب شناسی پس از احتجاج، این انتساب را تأیید کرده است. (صادقی، ۱۳۹۵: ۱۳۴) طبرسی در مقدمه کتاب احتجاج نوشته است: «بیشتر اسناد روایات را ذکر نکرده‌ام، چون یا اجماع بر وجود این اخبار هست یا با عقل موافق هستند و در کتاب‌های موافقان و مخالفان مشهورند، ولی روایاتی که از تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام نقل کرده‌ام، در شهرت مانند بقیه نیستند، به همین دلیل سند آنها را در اولین نقل ذکر کرده‌ام.» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱/۱۴) بنابراین از دیدگاه

طبرسی روایات بدون سند در کتاب احتجاج، یا به دلیل اجماع یا مطابقت با عقل معتبر هستند؛ از این جهت این روایت نیز از نظر وی معتبر است.

۲-۲. بررسی سندی حدیث

روایتی که علامه بلاغی در تفسیر خود و علامه مجلسی در بحار الانوار از کتاب احتجاج طبرسی نقل کرده‌اند، فاقد سند و در ابتدایش چنین آمده است: «جَاءَ بَعْضُ الرَّفَادِقَةِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَالَ لَوْلَا مَا فِي الْقُرْآنِ مِنَ الْإِخْتِلَافِ وَ التَّنَاقُضِ لَدَخَلْتُ فِي دِينِكُمْ فَقَالَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ...»

به گفته نویسنده کتاب احتجاج، همه روایات این کتاب سلسله سند ندارند، به جز دو روایت که مُسند هستند. هر چند حدیث شناسان صحت روایات را از طریق بررسی سندی آنها تشخیص می‌دهند، ولی این قابلیت برای بررسی روایات کتاب احتجاج فراهم نیست. در نتیجه باید به بررسی و نقد مصادر و محتوای اخبار این کتاب پرداخته شود. (صادقی، ۱۳۹۵: ۱۳۶-۱۳۸) هر چند اسناد روایات در این کتاب نقل نشده است، اما می‌توان با تشکیل خانواده حدیثی و استخراج احادیث هم مضمون با روایات منقول در کتاب احتجاج به بررسی محتوایی روایات این کتاب پرداخت. در خصوص محتوای این روایت نیز، تعداد قابل توجهی احادیث خصوصاً در کتاب اصول کافی نقل شده است که مضمون آنها اشاره به محتوای مصحف امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ دارد و محتوای آن را شامل تنزیل و تأویل می‌دانند. با وجود کثرت این روایات بررسی محتوایی روایتی که در کتاب احتجاج ذکر شده امکان‌پذیر است. برخی از این روایات در ادامه مورد بررسی محتوایی قرار می‌گیرند.

۲-۳. احادیث مشابه و هم‌مضمون

برای رسیدن به فهم محتوایی روایت لازم است اصطلاحاً خانواده حدیثی تشکیل شود؛ روایات فراوانی در منابع حدیثی شیعه وجود دارد که در آنها اشاره به «تنزیل و تأویل» دارد و اینکه آن دو در مصحف امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ در کنار هم گردآوری شده بود. که عبارتند از:

۱- خداوند همه دانش تنزیل و تأویل را به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آموخته است. «فَإِنَّهُ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ مَعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ' أَفْضَلُ الرَّاسِخِينَ فِي الْعِلْمِ - قَدْ عَلِمَ جَمِيعَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنَ التَّنْزِيلِ وَ التَّأْوِيلِ - وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُنزِلَ عَلَيْهِ شَيْئاً لَمْ يَعْلَمْهُ تَأْوِيلَهُ - وَ أَوْصِيَاؤُهُ مِنْ بَعْدِهِ بِعَلْمَوْتِهِ كُلِّهِ. » (قمی، ۱۴۰۴: ۹۷/۱؛ صفار،



۱۴۰۴: ۲۰۳/۱؛ نعمان بن محمد مغربی عالم اسماعیلی مذهب نیز در کتاب خود ابن حیون، دعائم الإسلام، ۱۳۸۵: ۲۲/۱ نیز روایت را آورده است.

۲- پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ علم به تنزیل و تأویل قرآن را به امام علی عَلَيْهِ السَّلَام تعلیم داد. «عن أبي الصباح قال: قال أبو عبد الله عَلَيْهِ السَّلَام إن الله علم نبيه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ التنزيل والتأويل - فعلمه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ علياً عَلَيْهِ السَّلَام» (کلینی، ۱۳۶۲: ۴۴۲/۷؛ طوسی، بی تا: ۲۸۶/۸؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۷/۱)

۳- علم به تنزیل و تأویل قرآن به ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز داده شده است. «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ قَالَ: وَاللَّهِ لَقَدْ قَالَ لِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَام إِنَّ اللَّهَ عَلَّمَ نَبِيَهُ التَّنْزِيلَ وَالتَّأْوِيلَ قَالَ فَعَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ وَ عَلَّمَنَا وَاللَّهِ» (صفار، ۱۴۰۴: ۲۹۵/۱)

۴- هیچ چیزی بر رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل نشد، مگر آنکه ایشان بر تأویلش آگاه بود. «عن برید بن معاوية قال قلت لأبي جعفر عَلَيْهِ السَّلَام قول الله «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» قال يعني تأويل القرآن كله، إلا الله و الراسخون في العلم، فرسول الله أفضل الراسخين، قد علمه الله جميع ما أنزل عليه من التنزيل و التأويل، و ما كان الله منزلاً عليه شيئاً لم يعلمه تأويله - و أوصيائه من بعده يعلمونه كله، فقال الذين لا يعلمون: ما نقول إذا لم نعلم تأويله فأجابهم الله «يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا» و القرآن له خاص و عام و ناسخ و منسوخ - و محكم و متشابه فالراسخون في العلم يعلمون» (کلینی، ۱۳۶۲: ۲۱۳/۱؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۶۴/۱)

۵- روایت دیگری از امام علی عَلَيْهِ السَّلَام که در آن به تأویل قرآن اشاره شده، در غرر الحکم چنین آمده است: «وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ لِيُظْهِرَنَّ عَلَيْكُمْ قَوْمٌ يَضْرِبُونَ الْهُمَامَ عَلَى تَأْوِيلِ الْقُرْآنِ كَمَا بَدَأَكُمْ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى تَنْزِيلِهِ حُكْمٌ مِنَ الرَّحْمَنِ عَلَيْكُمْ فِي آخِرِ التَّرْمَانِ» (آمدی، ۱۴۱۰: ۷۲۸، کلام ۴۳) این روایت در کتاب عیون الحکم و المواعظ نوشته علی بن محمد لیثی واسطی نیز که هم عصر آمدی است، نیز روایت شده است. (لیثی، ۱۳۷۶: ۵۰۵، ح ۹۲۶۱) آقا جمال خوانساری در شرح غرر الحکم و درر الکلم در توضیح این روایت آورده است: با اشاره به آیه ۹ سوره حجرات و حدیث پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که می فرمایند: «به درستی که از شما کسی باشد که جنگ



می‌کند بعد از من بر تأویل؛ چنان‌که جنگ کردم من بر تنزیل، پس سؤال کرده شد که: کیست آن؟ فرمود که: پینه‌کننده نعل، اشاره به امیرالمؤمنین علیه السلام که در آن وقت مشغول پینه کردن نعل خود بود.» سه احتمال را برای واژه «قوم» در حدیث مذکور ارائه داده است؛ اول اینکه: اشاره به جنگ‌های جمل، صفین و خوارج در زمان حضرت علی علیه السلام دارد و از آن جایی که در آیه ۹ سوره حجرات گروه حق و باطل تعیین نشده، بلکه به وسیله وحی و بیان نبوی مشخص شده است پس به تأویل قرآن مجید نسبت داده شده است؛ بر خلاف جنگ‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که آنها به تنزیل قرآن مجید که در آن به صراحت فرمان به جنگ با مشرکان داده بود، نسبت داده می‌شد. دوم اینکه: ممکن است که منظور از قوم، خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اصحابش باشند و این روایت را در اوایل بعثت فرموده و پیش از وقوع جنگ‌های خودش فرموده باشد، چون خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نیز پیغمبر آخر الزمان می‌نامند. سوم اینکه: ممکن است مراد از قوم، حضرت قائم علیه السلام و اصحابش باشند که ایشان نیز با مخالفان بر تأویل قرآن جهاد خواهند کرد. (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۲۳۲/۶-۲۳۴) منظور از واژه قوم در این روایت، هر یک از سه احتمال که باشد، روشن می‌سازد که «تأویل» از جنس کلام و حیانی بوده و بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله وحی شده است. یعنی تأویل نیز مانند تنزیل «حُكِّمَ مِنَ الرَّحْمَنِ عَلَيْكُمْ» حکمی از جانب خداوند رحمان بر شماست.

۳. معنا و شرح واژه‌های حدیث

بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، کتاب خدا به صورت کامل مشتمل بر تأویل و تنزیل و محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ به همان صورتی که جبرئیل امین آورده بود و بدون آنکه حرفی از حروف آن مثل الف یا لام از آن حذف شده باشد، توسط امیرمؤمنان علی علیه السلام گردآوری شد. (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲۵۷/۱)

۳-۱. مفهوم شناسی واژه تأویل

تنزیل همان آیات قرآن کریم است که در مصحف کنونی موجود است. اما منظور از تأویل چیست؟ دانشمندان لغوی واژه تأویل را از «أول» می‌دانند که به معنای بازگشت و رجوع است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۳/۱۱) برخی آن را به معنای «تفسیر و تبیین یک کلام» معنا کرده‌اند. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳۶۹/۸) راغب اصفهانی آورده است: «بازگشت هر چیزی به اصل و هدفش» (راغب



اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۹) ابن منظور می‌نویسد: «منظور از تأویل انتقال ظاهر الفاظ از معنای اصلی آن به معنایی که نیاز به دلیل دارد و در صورتی که این دلیل نبود، معنای ظاهر آن حفظ می‌شود.» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۳/۳۴). طریحی تأویل را معنای پنهان و غیر ظاهر می‌داند. (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۱۲/۵)

۲-۳. معنای تأویل در روایات

روایاتی که ما را در فهم معنای واژه تأویل راهنمایی می‌کنند، عبارتند از:

۱- تأویل قرآن از جانب خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعلیم داده شده است. امام علی علیه السلام در تفسیر آیه شریفه (وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ) می‌فرماید: «پیامبر صلی الله علیه و آله سرآمد راسخان در علم است، خداوند تمامی تنزیل و تأویل را به آن حضرت آموخت. «قَدْ عَلَّمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ جَمِيعَ مَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ مِنَ التَّنْزِيلِ وَ التَّأْوِيلِ» و هیچ آیه‌ای فرود نیامد مگر آنکه خداوند تأویل آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله آموخت.» (کلینی، ۱۳۶۲: ۲۱۳/۱)

۲- تأویل از معنای باطنی قرآن است. امام صادق علیه السلام در حدیثی قرآن را چنین توصیف می‌کند: «ظَهْرُهُ تَنْزِيلُهُ وَ بَطْنُهُ تَأْوِيلُهُ مِنْهُ مَا مَضَى وَ مِنْهُ مَا لَمْ يَجْتَنِبْ بَعْدُ، يَجْرِي كَمَا تَجْرِي الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ» (بحرانی، ۱۴۱۵: ۴۶/۱) ظاهر قرآن تنزیل آن است و باطن آن تأویل آن است بخشی از آن گذشت و بخشی در آینده خواهد آمد، مانند جریان داشتن خورشید و ماه جاری است.

۳- جنگ‌های امیرمؤمنان علیه السلام، جنگ برای تأویل آیات قرآن بود. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «فَتَقَاتِلْ عَلَي تَأْوِيلِ الْقُرْآنِ كَمَا قَاتَلْتَ عَلَي تَنْزِيلِهِ ثُمَّ تَقْتُلْ شَهِيداً تُخَضَّبُ لِحْيَتِكَ مِنْ دَمِ رَأْسِكَ» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱/۴۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۲۱۸/۳) تو بر تأویل قرآن نبرد می‌کنی، چنان که در کنار من بر تنزیل آن نبرد کردی، آن گاه محاسن تو با خون سرت خضاب می‌گردد.

بنابراین در روایات، هم به مفاهیم و هم به مصادیق آیات قرآن و هم به حکمت‌های نزول احکام و شرایع و معارف قرآن، همگی تأویل اطلاق شده است. شاید بتوان گفت که آنچه در روایات تحت عنوان «تنزیل و تأویل» یا «ظاهر و باطن» آمده، در قرآن کریم به عنوان «کتاب و حکمت» ذکر شده است - یعنی، «کتاب» همان تنزیل و «حکمت» همان تأویل است. همان طور که در روایات آمده



است خداوند تنزیل و تأویل را بر پیامبر ﷺ نازل کرد. در قرآن کریم نیز آمده است: (وَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ) (شاکر، ۱۳۸۸: ۱۰) بنابراین حکمت یا تأویل از سنخ «ما انزل الله علی الرسول» است از جنس آنچه که بر رسول اکرم ﷺ وحی شده است. چون تأویل همانند تفسیر، مبتنی بر فهم و دانش مفسر نیست. پس راه دستیابی به تأویل قرآن، منحصر در روایات رسول الله ﷺ است.

۳-۳. مقصود از تنزیل و تأویل

همان گونه که گفته شد مصحف امام علی علیه السلام علاوه بر تنزیل مشتمل بر تأویل آیات نیز بوده، حال این پرسش مطرح است که، تأویل چه نسبتی با تنزیل دارد؟ و از چه منبع و مصدری به مصحف امام علیه السلام وارد شده است؟ سید محسن الاعرجی الکاظمی می نویسد: «مصحف امام علی علیه السلام مشتمل بر تفسیر و تأویل بود و عادت بر این بوده که تأویل را به همراه تنزیل می نوشتند. دلیل آن این روایت از حضرت است که، «و لقد جئت بالكتاب كمالاً مشتملاً على التاويل و التنزيل، و المحکم و المتشابه، و الناسخ و المنسوخ» به صراحت می گوید همه آنچه در مصحف خویش گردآوری کرده است، تنزیل قرآن نیست.» (حسینی میلانی، بی تا: ۲۰)

میرزا مهدی بروجرودی به وجود تأویل آیات در کنار تنزیل آنها در مصحف حضرت اذعان کرده و می نویسد: «بنابراین در موضوع مصحف امام علی علیه السلام گفته می شود مجموع تفسیر و تأویل، تبیین مجملات و تقیید مطلقات، ناسخ و منسوخ قرآن در آن جمع است، که همه آن از علوم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله برگرفته شده بود. و امام علی علیه السلام آن مصحف را بر خلیفه اول و دوم بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرضه کرد. آنها پس از آگاهی از مطالب تفسیر و تأویل آن، فهمیدند که اگر این کتاب تفسیر در دسترس همگان باشد از هدف خودشان در حکومت بر امت اسلامی باز خواهند ماند. پس در پاسخ به امام علی علیه السلام گفتند که نیازی به کتاب تو نداریم و این قرآنی که در دست ماست؛ ما را بس است. شاهد بر این عرض خویش، فرمایش امیرمؤمنان علیه السلام است، که فرمود: کتابی کامل شامل تأویل و تنزیل، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ برای آنها آوردیم. در این کلام آن حضرت



تصریح شده است که تأویل همراه قرآن بوده است به قرینه عبارت مشتقاً علی التأویل و التنزیل» (بروجردی، بی تا، ۴۳-۴۴)

علامه طباطبایی می‌نویسد: «تأویل از جنس معنای الفاظ نبوده، بلکه امری عینی و خارج است، در نتیجه الفاظ متکلم بر آن اعتماد دارند، در صورتی که حکمی انشائی بود، تأویل آن همان مصلحتی است که موجب انشای آن حکم و تشریحش شده است، ... و در صورتی که کلام خبری بود و اخبار از حوادث گذشته داده باشد، تأویل آن نیز حوادثی است که در زمان ماضی رخ داده است... یا پیرامون اموری است که به حواس ظاهری ادراک می‌گردد و یا از اموری است که با عقل ادراک می‌شود در این صورت تأویل آیات همان حوادثی است که در خارج رخ داده یا رخ خواهد داد... یا در خصوص امور غیبی و آینده است که این امور را در عالم دنیا و به وسیله حواس ظاهری دنیایی نمی‌توان ادراک کرد یا حتی حقیقت آن را نیز با عقل نمی‌توان دریافت؛ مانند امور مرتبط به روز قیامت، یعنی زمان برپایی آن و چگونگی زنده شدن مردگان و سوال و حساب و نامه اعمال و مثل اینها؛ و یا در خصوص اموری است که از سنخ زمان نیستند و از حد درک عقها خارج هستند، مثل صفات و افعال خداوند متعال که خود حقایق خارجیه است.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۵/۳) بنابراین ایشان تأویل را از جنس لفظ نمی‌داند.

آیت الله معرفت منظور از تأویل را برداشت‌های کلی و جامع از موارد خاص آیات دانسته و می‌نویسد: «این مصحف مشتمل بر تنزیل و تأویل بود؛ یعنی موارد نزول و مناسبت‌هایی را که موجب نزول آیات و سوره‌ها بود، توضیح می‌داد، البته در حاشیه مصحف. این حواشی بهترین وسیله برای فهم معانی قرآن و رفع بسیاری از مبهمات بود. و علاوه بر ذکر سبب نزول در حواشی، تأویلاتی نیز وجود داشت. این تأویلات برداشت‌های کلی و جامع از موارد خاص آیات بود که در فهم آیه‌ها بسیار مؤثر بود. حضرت علی علیه السلام خود می‌فرماید: «و لَقَدْ جِئْتُهُمْ بِالْكِتَابِ كَمَلًا مُشْتَمِلًا عَلَى التَّنْزِيلِ وَ التَّأْوِيلِ» و نیز می‌فرماید: آیه‌ای بر پیغمبر صلی الله علیه و آله نازل نشد، مگر آنکه بر من خوانده و املا فرمود و من آن را با خط خود نوشتم و نیز تفسیر و تأویل، ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه هر آیه را به من آموخت و مرا دعا فرمود تا خداوند فهم و حفظ آن را به من مرحمت فرماید. از آن روز تا به حال هیچ آیه‌ای را فراموش نکرده و هیچ دانش و شناختی را که به من آموخته و نوشته‌ام، از دست نداده‌ام.

بنابراین اگر پس از رحلت پیامبر ﷺ از این مصحف که مشتمل بر دقایق و شرح و تفسیر و تبیین آیات بود استفاده می‌شد، امروزه بیشترین مشکلات فهم قرآن مرتفع می‌گردید. (معرفت، ۱۳۸۲: ۸۶)

ابن شهر آشوب منظور از تأویل را همه مفاهیم و مضامین و مدلول‌های آیات قرآن می‌داند: «منظور از محکم و متشابه، تنزیل و تأویل قرآن و غیره که مورد اشاره روایات است و در مصحف امام علی علیه السلام جمع آوری شده است، یعنی همه مفاهیم و مضامین و مدلول‌های آیات قرآن دقیق و کامل به همراه الفاظ آیات مصحف کنونی در نزد امام وجود داشته است، یعنی اصول و کلیات و مطلقات شریعت در قرآن کریم آمده است، و خداوند متعال به وسیله وحی بیانی پیامبرش را در جریان مسائل جزئی، مخصوص‌ها و تقییدها قرار داده است و رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز آن اسرار را برای امیرمؤمنان علیه السلام تشریح کرد. به چنین اقدامی تأویل و تفسیر قرآن گفته می‌شود؛ همان‌گونه که خود حضرت آن را نقل کرده است: «پروردگارم به من قلبی عاقل و زبانی پرسش‌کننده عنایت فرموده است.» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹: ۴۳/۲)

برای معنای تأویل چند نظر وجود دارد:

- ۱- تأویل معادل واژه تفسیر و از سنخ الفاظ باشد.
- ۲- تأویل به معنای آنچه خلاف ظاهر آیات است، معنا شود.
- ۳- میان معنای لغوی تأویل و تعریف اصطلاحی آن ارتباط برقرار کرده و تأویل بازگشت گاه کلام باشد. (فرجادی، ۱۳۸۳: ۱-۳)

۴- برخی مانند علامه طباطبایی و سید حیدر آملی تأویل را از جنس کلام نمی‌دانند. سید حیدر آملی می‌نویسد: «أن التأویل هو التطبيق بین الكتاب القرآنی و الكتاب الآفاقی إجمالاً و تفصیلاً» (آملی، ۱۴۲۲: ۷۷/۵)

پس لازم نیست هر آنچه از جانب خداوند و وحی نازل شده، از قرآن باشد، زیرا آنچه از روایات در این زمینه به دست می‌آید این است که مصحف علی علیه السلام شامل افزودنی‌هایی در تنزیل و تأویل بود و در هیچ یک از این روایات اشاره‌ای به این نیست که این موارد زیادی از قرآن باشد. مصحف آن



حضرت شامل متن و شرح است؛ متن آن همان تنزیل و شرح آن، تفسیر و تأویل است. (خرازی، ۱۴۲۲: ۶۹/۵) روایاتی که در مورد مصحف حضرت وارد شده نیز مؤید همین مطلب است.

۴. محتوای مصحف امیرمؤمنان علیه السلام

حدیث منقول در مقدمه آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن اشاره به محتوای مصحف امیرمؤمنان علیه السلام دارد؛ آنچه از تحلیل روایات و گزارشات تاریخی در منابع فریقین در این خصوص استنباط می‌شود، دورنمایی از محتوای مصحف حضرت علیه السلام را نمایان می‌کند.

شیخ مفید در کتاب خویش مسائل السرویه می‌نویسد: «امام علی علیه السلام قرآن نازل شده را از ابتدای تا پایان آن و مطابق آنچه باید تألیف می‌شد، جمع آورد؛ به گونه‌ای که آیات مکی را مقدم بر آیات مدنی و آیات منسوخ را نیز مقدم بر آیات ناسخ قرار داد و هر آیه‌ای را در جایگاه اصلی‌اش قرار داد. به همین دلیل امام صادق علیه السلام فرمود: «قسم به خداوند! اگر قرآن آنچنان که نازل شده است خوانده شود، نام ما را در آن خواهید یافت؛ آنچنان که نام کسانی قبل از ما، در آن آمده است.» (مفید، ۱۴۱۳ ب: ۷۹)

احادیثی که در کتب روایی خصوصاً کتاب اصول کافی در بخش «إِنَّهُ لَمْ يَجْمَعْ الْقُرْآنَ كَلَهُ إِلَّا الْأَئِمَّةَ علیهم السلام» و «أَنْهُمْ يَعْلَمُونَ عِلْمَهُ كَلَهُ» روایت شده به خصوصیات مصحف امام علی علیه السلام اشاره می‌کند.

۱- همه قرآن نزد ائمه اطهار علیهم السلام موجود است: امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «هیچ کس به جز شخص دروغگو نمی‌تواند مدعی شود که همه قرآن را مطابق آنچه نازل شده، گردآوری کرده است؛ چون فقط علی بن ابی طالب علیه السلام و ائمه علیهم السلام بعد از آن حضرت، قرآن کریم را مطابق آنچه خداوند نازل فرموده، گردآوری و حفظ کرده‌اند.» (کلینی، ۱۳۶۲: ۲۲۸/۱)

۲- وجود آیات ناسخ و منسوخ در آن: «ابن اشته از ابن سیرین گزارش کرده که وی گفت: علی بن ابی طالب علیه السلام در قرآن خویش ناسخ و منسوخ را مشخص نموده و نگاشته بود.» (سیوطی، ۱۴۱۶: ۱۶۲)



با توجه به این سخن نه تنها امام علی علیه السلام بلکه همه ائمه علیهم السلام مصحف آن حضرت را به عنوان میراث امامت در نزد خود داشته و از آن بهره می‌برده‌اند.

۳- اجتماع ظاهر و باطن قرآن: امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: «هیچ شخصی به جز اوصیای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمی‌تواند مدعی شوند که همه قرآن، اعم از ظاهر و باطن نزد وی است.» (کلینی، ۱۳۶۲: ۲۲۸/۱)

۴- علم به همه کتاب خداوند: «امام صادق علیه السلام در مورد آیه (الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ) میان انگشتان خویش را گشود و اشاره به سینه خویش نموده و فرمود: سوگند به خداوند که علم همه کتاب نزد ما است.» (کلینی، ۱۳۶۲: ۲۲۸/۱)

آنچه از مجموعه این سخنان در رابطه با مصحف امام علی علیه السلام استنباط می‌شود، این است که مصحف ایشان مشتمل بر دو قسمت بوده: قسمتی در متن و اصل مصحف ایشان به نام تنزیل که همان قرآن کریم نازل شده از جانب خداوند متعال است و همین قرآن موجود در پیش روی ماست. و قسمتی که علاوه بر متن قرآن در حاشیه مصحف حضرت علی علیه السلام موجود بود، و عبارت از، شأن نزول آیات، مصادیق و شرح و تفسیر آیات قرآن و توضیحاتی تکمیلی در خصوص آیات قرآن بود که از آنها در روایات به تأویل یاد شده است.

آیت الله معرفت آورده است: «تنزیل آیات شامل جوانب عام آیات قرآن است که مخصوص زمان و مکان و اشخاص خاصی نیست و مثل خورشید و ماه در عالم جاری است و تأویل آیات عبارت است از توضیحاتی در حواشی و بیان مناسبتی که در زمان و یا مکان و یا ساعت و یا اشخاص نازل شده است. مصحف حضرت شامل این نکات بود که از حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گرفته شده بود و هیچ کدام فراموش نشده یا اشتباه نشده بود.» (معرفت، ۱۴۲۶: ۱۵۲/۱)

تأویل آیات در مصحف حضرت امیرمؤمنان علیه السلام آن میزان اهمیت دارد که ابن جزری کلبی می‌گوید: «اگر قرآن علی علیه السلام به دست آید، علوم فراوانی در آن وجود دارد.» (الغرناطی الکلبی، ۱۴۰۳: ۴۹/۱)

نیز از ابن سیرین نقل شده: «من در پی کتاب ایشان (امیرمؤمنان علیه السلام) گشتم و به مدینه هم نامه نوشتم اما آن را به دست نیاوردم.» (جعفریان، ۱۳۶۷: ۱۱۷)

شیخ مفید در کتاب *أوائل المقالات* آورده است: «مفسرین مسلمان متفقاً معتقد هستند که تأویل و تفسیرهایی که در مصحف امام علی علیه السلام بوده، از آن برداشته شده است، به شکلی که این تأویل و تفسیرها در مصحفی که به فرمان عثمان گردآوری شده، حذف گردیده است.» (مفید، ۱۴۱۳ الف: ۸۱)

«این عبارت، تصریح دارد در این که اشخاصی که ادعا دارند در قرآن امام علی علیه السلام جملات روشنی مبنی بر اثبات خلافت آن حضرت موجود بوده، همه آنها از حیث تفسیر و تأویل آیات است. به همین معنی است هنگامی گفته می‌شود اسم بعضی از منافقین قریش در مصحف امام علی علیه السلام موجود بود، ذکر این اسم‌ها، بیان شأن نزول و تأویل آیات محسوب می‌شود.» (جعفریان، ۱۳۶۷: ۱۱۸-۱۱۶)

در نتیجه همه احادیثی که بر این مطلب دلالت دارند که اسم امام علی علیه السلام و بقیه ائمه اطهار علیهم السلام در قرآن بوده و از قرآن حذف یا اسقاط گردیده است مقصود تحریف به نقیصه در آیات و سوره‌های مصحف موجود نیست؛ بلکه مقصود اسم آن حضرات در تأویل آیات است. روشن گردید که در عبارات و جملاتی که پیرامون مصحف امام علی علیه السلام آمده، هیچ اشاره‌ای بر این مطلب نبود که، آیاتی در مصحف آن حضرت وجود داشته، که در مصحف عثمانی، نیست؛ بلکه واقعیت این است که در مصحف امام علی علیه السلام علاوه بر آیات قرآنی مصحف موجود، تأویل و تفسیر آیات نیز آمده است.

براین اساس امام محمد باقر علیه السلام فرموده است: «هیچ کس به جز شخص دروغگو نمی‌تواند مدعی شود که همه قرآن را مطابق آنچه نازل شده جمع‌آوری و حفظ نموده است.» (کلینی، ۱۳۶۲: ۲۲۸/۱)



علامه عسکری در کتاب القرآن الکریم و روایات المدرستین می‌نویسد: «خداوند معنای آیات را بر رسولش ﷺ وحی کرد و پیامبر ﷺ معنای آن را به صورت لفظ در می‌آورد که همان سنت رسول الله ﷺ یعنی حدیثش است.» (عسکری، ۱۴۱۵: ۲۵۹/۱)

اهل سنت معتقدند: آنچه از پیغمبر اکرم ﷺ به عنوان سنت ایشان وجود دارد، وحیی منزل است که از جنس آیات قرآن نیست. (دارمی، ۱۴۰۷: ۱۵۳/۱، ح ۵۸۸)

علامه عسکری همچنین در این کتاب می‌نویسد: «نص قرآنی به همراه بیان معنایش با وحی غیرقرآنی از سوی خداوند بر رسولش ﷺ نازل می‌شد پس هنگامی که نزولش بر پیامبر تمام می‌شد ایشان در قرائتش تبعیت می‌فرمود.» (عسکری، ۱۴۱۵: ۲۵۹/۱)

در نتیجه این نکته مهم راجع به تاریخ قرآن بدست می‌آید که، علاوه بر وحی آیات الهی بر پیامبر اکرم ﷺ که به وحی قرآنی معروف است و همان چیزی است که در ۱۱۴ سوره قرآن در مصحف کنونی پیش روی ماست؛ تأویل و تفسیر آیات قرآنی نیز بر پیامبر ﷺ وحی می‌شد که به «وحی بیانی» معروف است.

در نتیجه مصحف امام علی علیه السلام علاوه بر تنزیل مشتمل بر تأویل آیات نیز بوده است. تأویلی که از جانب خداوند بر رسول اکرم ﷺ وحی شده و در مصحف حضرت گردآوری شده است.

۴-۱. شرح حدیث در پرتو آیات قرآن

(المر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ) (الرعد/۱) (الف. لام. میم. راء این است آیات کتاب، و آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، حق است، ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند.)

مفسران راجع به معنای این آیه نظرات مختلفی دارند. در بررسی تفاسیر مختلف از فریبن روشن شد که فهم معنای آن از آیات غریب و مشکل قرآن است. خداوند در این آیه از دو حقیقت جدا که بر یکدیگر عطف شده‌اند سخن به میان آورده است:

(الف) (تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ) (ب) (وَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ)

پس از آن خداوند اشاره به حقایق هر دو، کرده است (الْحَقُّ) و به اینکه اکثر مردم ایمان نمی‌آورند سخن گفته است: (وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ)



اگر در این آیه خداوند او را نمی‌آورد و می‌فرمود: - تلك آيات الكتاب الذي انزل اليك الحق - در آن صورت اشاره به یک حقیقت بود که بر پیامبر ﷺ نازل شده که همان قرآن کریم است. اما با توجه به وجود واو عطف در این آیه، روشن می‌شود که اشاره به دو حقیقت دارد. اما آن دو حقیقت چیستند؟

چند دیدگاه در میان مفسران راجع به این آیه وجود دارد که عبارت است از:
«منظور از (تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ) آیات سوره‌ای کامل یا آیات قرآن است.» (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۵۷۳/۲)

«منظور از کتاب، سوره است. بنابراین منظور از (تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ) آیات سوره کامله‌ای است و منظور از (وَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) تمام قرآن است.» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۴۰۶/۶)
«(تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ) منظور همین سوره (الرعد) است که آیات قرآن بوده و افترا نیست. و عبارت (وَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) منظور این قرآنی که از جانب خداوند بر تو به صورت وحی قدسی نازل شده است.» (سبزواری نجفی، ۱۴۱۹: ۲۵۴/۱)

«منظور از (تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ) آیه (وَ إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِي حَكِيم) (زخرف/۴) است و منظور از (وَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) آن کتاب محکمی است که تفصیل شده» (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۲۴۹/۱)

«مقصود از آیاتی که واژه (تِلْكَ) به آن اشاره می‌کند همین موجودات عالم تکون و اشیاء خارجی هستند که در نظام عام الهی تسخیر شده‌اند.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۸۹/۱۱)
«منظور از (تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ) بعضی گفتند اشاره به آیات تورات و انجیل است. (وَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ) اشاره به قرآن دارد.» (طیب، ۱۳۷۸: ۲۲۹/۷)

«مقصود از (تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ) آیات قرآن و یا آیات و قصه‌هایی می‌باشد که قبلاً در تورات و انجیل ذکر شده است.» (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۳۲۳/۶)

در میان دیدگاه‌های مفسرین بانو مجتهده اصفهانی در تفسیر خود آورده است: (وَ الَّذِي أَنْزَلَ) یا عطف صفتی بر صفت دیگر است، در صورتی که مقصود از کتاب قرآن باشد. و یا عطف عامی بر خاص است اگر منظور از واژه کتاب، سوره باشد.» (بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱: ۵/۷) در مورد این



دیدگاه این سوال مطرح می‌شود که آیا در قرآن کریم آیه‌ای هست که مقصود از کتاب را سوره‌ای از قرآن معرفی کند؟ و یا قراین دیگری می‌توان یافت که منظور از (الکتاب) را سوره‌ای از قرآن بدانیم؟ در هر صورت این آیه اشاره به دو حقیقت دارد که هر دو بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شده‌اند که اولی همین مصحف موجود و وحی قرآنی است که در عبارت (تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ) به آن اشاره شده و دیگری وحی بیانی است که در عبارت (وَ الَّذِي أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ) به آن اشاره شده است. از میان تفاسیر اهل سنت تفسیر سور آبادی به این مطلب اشاره کرده و ذیل این آیه می‌نویسد: « (وَ الَّذِي أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ) مراد از آن قرآن است و دیگری سنت و علمی که خداوند به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ داده بود چنان که آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خود فرمود: (به من قرآن و مانند آن به همراهش داده شده است)» (سورآبادی، ۱۳۸۰: ۱۱۹۳/۲)

و از میان تفاسیر شیعی، سبزواری در تفسیر الجدید می‌نویسد: «واژه (تِلْكَ) اشاره به آیاتی دارد که در قرآن کریم است و عبارت (وَ الَّذِي أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ) نیز اشاره به وحی قدسی است. که حقی از جانب خداوند و صدقی است که در ایمان به آن تعرض نتوان کرد. ولی اکثر مردم با نادانی‌شان که آنها را گمراه می‌کند به آیات و بیناتش ایمان نمی‌آورند.» (سبزواری نجفی، ۱۴۰۶: ۱۰۱/۴)

در نتیجه از این آیه چنین استنباط می‌شود که وحی بیانی به همراه وحی قرآنی، بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شده هر دو آنها حق می‌باشند ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند.

۴-۲. منظور از وحی بیانی

حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام در این روایت می‌فرماید: «لم يزد فيه حرف و لم ينقص منه حرف» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص: ۲۵۷) مصحف امام عَلَيْهِ السَّلَام مشتمل بر تنزیل و تاویل قرآن بود، یعنی شامل وحی قرآنی و وحی بیانی بوده نه چیزی به آن اضافه شده و نه چیزی از آن کاسته شده بود و حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام آن مجموعه را کتاب الله معرفی نموده است.

در حالی که مصحف عثمانی که پیش روی ما است، شامل ۶۲۳۶ آیه وحی قرآنی است پس وحی بیانی آن کجاست؟ وحی بیانی یا تاویل آیات از آن کتاب الله حذف شده. پس می‌توان گفت کتاب الله، دچار تحریف به نقیصه گردیده است. تحریف به نقیصه در وحی بیانی نه قرآن؛ اما در جای خویش اثبات شده که هیچ‌گونه تحریفی متوجه وحی قرآنی نشده است. (نک: سراسر کتابهایی مثل نزاهت



قرآن از تحریف، صیانت القرآن، قرآن هرگز تحریف نشده است، البیان و ... به این موضوع پرداخته‌اند.) این نکته کلید فهم همه روایات تحریف است که سند صحیحی دارند.

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جریان فکری خلفا، شعار «جردوا القرآن» سردادند (ذهبی، ۱۴۱۹: ۷/۱) منظور از آن چه بود؟ کتاب الله را از چه چیزی خالی کنید؟ پس از این شعار چه چیزی از کتاب خدا جدا شد؟ چرا مصحف امیرمؤمنان علیه السلام را نپذیرفتند؟ چه تفاوتی بین مصحف حضرت علی علیه السلام و مصحف خلفا بود؟ روشن است که وحی بیانی را از کتاب الله ساقط نموده و از دسترس مسلمانان خارج کردند و این همان معنای تحریف در کتاب الله است نه تحریف در قرآن. روایات تحریف، تحریف را به کتاب الله نسبت می‌دهند نه به قرآن. مانند روایاتی که کتاب کامل زیارات آمده است: «اللهم العن الذین حرفوا کتابک ...» (ابن قولویه قمی، ۱۳۵۶: ۱۹۷) که منظور آنها کتاب الله است.

با سپری شدن قرن‌ها از زمان تجرد کتاب الله از وحی بیانی، مسلمانان امروز راهی برای دسترسی به آن وحی بیانی ندارند، به جز از طریق وجود مبارک حضرت ولی عصر علیه السلام، همان وعده‌ای که در روایات مشهور به فساطیط آمده است. (نک: مفید، ۱۴۱۳ ج: ۳۸۶/۲) آن چنانی که در زیارت آل یاسین منظور از «السلام علیک حین تقرء و تبین» قرائت آیات قرآن و تبیین آنها براساس مصحف امیرمؤمنان علیه السلام است.

هنگامی که امیرمؤمنان علیه السلام کتاب خدا را بر مسلمانان، عرضه کرد و آنها از پذیرش مصحف حضرت روی برگرداندند، حضرت آیه ۱۸۷ سوره آل عمران را برای ایشان تلاوت کرد؛ یعنی این عمل آنها، همچون اقدام یهودیان در مورد تورات، از مصادیق این آیه شریفه است. این آیه در جای خود مورد بررسی قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

مصحف امیرمؤمنان علیه السلام از مسلمات تاریخی و روایی است. آنچه از اصل وجود این مصحف مهمتر است، محتوای آن است. یکی از روایات پُربسامد در این خصوص حدیثی است که در کتاب آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن ذکر شده است. «لَقَدْ جِئْتُهُمْ بِالْكِتَابِ كَمَلًا مُّشْتَمِلًا عَلَى التَّنْزِيلِ وَ

التأویل» منبع اصلی روایت، کتاب احتجاج طبرسی است که بدون ذکر سند روایت را نقل کرده است. اما به کمک روایات مشابه و هم‌مضمون، می‌توان به معنای «تنزیل» و «تأویل» در این روایت دست یافت. مصحف امیرمؤمنان علیه السلام مجموعه کاملی از وحی الهی بود که شامل تنزیل و تأویل بود. تنزیل همین آیات موجود در مصحف عثمانی است و تأویل نیز توضیحات اضافی پیرامون آیات قرآن است که اصطلاحاً «وحی بیانی» نامیده می‌شود و در حاشیه مصحف حضرت نوشته شده بود. براساس روایات تأویل نیز مانند تنزیل بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله وحی شده است و طبق روایت مذکور در مصحف حضرت علی علیه السلام گردآوری شده است و به عنوان میراث امامت نزد ائمه اطهار علیهم السلام باقی است.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه: محمدمهدی فولادوند.
- نهج البلاغه، ۱۳۷۹ ش، محمدبن حسین شریف الرضی، ترجمه: محمد دشتی، قم: مشهور.
۱. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، ۱۳۶۶ ش، شرح غرر الحکم و درر الکلم، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه تهران.
 ۲. آملی، سید حیدر بن علی، ۱۴۲۲ ق، تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم، قم: نور علی نور.
 ۳. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، ۱۳۸۵ ق، دعائم الاسلام، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
 ۴. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۷۹ ش، مناقب آل ابی طالب (علیهم السلام)، قم: انتشارات علامه.
 ۵. ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی، ۱۳۶۵ ق، کامل الزیارات، نجف: انتشارات مرتضوی.
 ۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
 ۷. بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین، ۱۳۶۱ ش، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران: نهضت زنان مسلمان.
 ۸. بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۵ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، قم: مؤسسه البعثه.
 ۹. بروجردی، میرزا مهدی، [بی تا]، برهان روشن (البرهان علی عدم تحریف القرآن)، تهران: کتابفروشی بوذرجمهری.
 ۱۰. بلاغی، محمد جواد، ۱۳۵۲ ق، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: وجدانی.
 ۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ ق، غرر الحکم و درر الکلم، چاپ دوم، قم: دارالکتاب الاسلامی.
 ۱۲. جعفریان، رسول، ۱۳۶۷ ش، افسانه تحریف قرآن، ترجمه: محمود شریفی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
 ۱۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۴ ش، نزاهت قرآن از تحریف، چاپ دوم، قم: مرکز نشر اسراء.



۱۴. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، ۱۳۶۳ ش، *تفسیر اثنی عشری*، تهران: انتشارات میقات.
۱۵. حسینی میلانی، سید علی، [بی تا]، *التحقیق فی نفی التحریف عن القرآن الشریف*، تهران: دارالقرآن الکریم.
۱۶. خرازی، محسن، ۱۴۲۲ ق، *عمده الاصول*، قم: مؤسسه در راه حق.
۱۷. دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، ۱۴۰۷ ق، *سنن الدارمی*، تحقیق: فواز احمد زمزلی - خالد السبع العلی، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۸. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، ۱۴۱۹ ق، *تذکره الحفاظ*، تحقیق: زکریا عمیرات، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دارالعلم.
۲۰. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، ۱۴۰۶ ق، *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۲۱. _____، ۱۴۱۹ ق، *ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۲۲. سور آبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، ۱۳۸۰ ش، *تفسیر سور آبادی*، تهران: فرهنگ نشر نو.
۲۳. سیوطی، جلال الدین، ۱۴۱۶ ق، *الایتقان فی علوم القرآن*، تحقیق: سعید المندوب، بیروت: دارالفکر.
۲۴. شریف لاهیجی، محمد بن علی، ۱۳۷۳ ش، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران: دفتر نشر داد.
۲۵. صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۱۹ ق، *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم: ناشر مؤلف.
۲۶. صفار، محمد بن حسن، ۱۴۰۴ ق، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام*، چاپ دوم، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۷. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴ ش، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه موسوی همدانی، محمداقرا، چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۸. طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ ق، *احتجاج علی اهل اللجاج*، محقق: خراسان، محمداقرا، مشهد: نشر مرتضوی.



۲۹. طریحی، فخر الدین، ۱۳۷۵ ش، *مجمع البحرين*، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن، [بی تا]، *التهیاب فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۱. طیب، سید عبد الحسین، ۱۳۷۸ ش، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام.
۳۲. عسکری، سیدمرتضی، ۱۴۱۵ ق، *القرآن الکریم و روایات المدرستین*، بیروت: شرکه التوحید للنشر.
۳۳. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ ق، *تفسیر العیاشی*، تهران: چاپخانه علمیه.
۳۴. الغرناطی الکلبی، محمد بن احمد، ۱۴۰۳ ق، *التسهیل لعلوم التنزیل*، بیروت: دارالکتاب العربی.
۳۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، *کتاب العین*، چاپ دوم، قم: انتشارات هجرت.
۳۶. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر الصافی*، چاپ دوم، تهران: مکتبه الصدر.
۳۷. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ ق، *تفسیر القمی*، چاپ سوم، قم: دارالکتاب.
۳۸. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، ۱۳۶۸ ش، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۳۹. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، ۱۳۶۲ ش، *الکافی*، چاپ دوم، تهران: اسلامیه.
۴۰. لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶ ش، *عیون الحکم و المواعظ*، قم: دارالحديث.
۴۱. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۲. معرفت، محمدهادی، ۱۴۲۶ ق، *تلخیص التمهید*، چاپ پنجم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۴۳. _____، ۱۳۸۲ ش، *تاریخ قرآن*، چاپ پنجم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۴۴. _____، ۱۴۲۶ ق، *تلخیص التمهید*، چاپ پنجم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۴۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ (الف)، *أوائل المقالات*، قم: انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید.
۴۶. _____، ۱۴۱۳ (ب)، *المسائل السرویة*، قم: انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید.

۴۷. _____، ۱۴۱۳ (ج)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: کنگره

شیخ مفید.

۴۸. موسوی، سید صادق، ۱۴۲۶ ق، تمام نهج البلاغه، بیروت: دار الاسلامیه.

مقالات

۴۹. شاکر، محمد کاظم، ۱۳۸۸ ش، «تأویل قرآن و رابطه زبان شناختی آن با تنزیل قرآن»، فصلنامه

معرفت، شماره ۲۴.

۵۰. صادقی، مصطفی، ۱۳۹۵ ش، «نگاهی به کتاب احتجاج»، مجله سخن تاریخ، سال دهم، شماره

۲۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صفحات ۱۳۱-۱۵۱.

۵۱. فرجادی، محمد، ۱۳۸۳ ش، «معنی شناسی تأویل در روایات»، فصلنامه پژوهش های قرآنی، شماره

۳۷، دوره ۱۰.